



# مراتب انس با قرآن در روایات

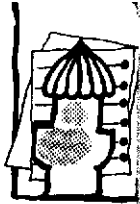
اصغر هادوی کاشانی\*

از اولین شبی که قرآن بر رسول اکرم (ص) فرود آمد، سرزمین تشنه از معنویت حجاز در معرض رحمت الهی قرار گرفت و ابواب ارتباط با این منبع فیض الهی برقرار شد و قرآن، حلقه اتصال آسمان و زمین گردید. انس با کلام وحی و زمزمه آیات آن در شبانه روز به گونه ای بود که پیامبر (ص)، خانه افراد را از صوت قرآن صاحبان آنها می شناخت.<sup>۱</sup> عده ای به قرائت، عده ای به حفظ و گروهی به تدبیر در آیات الهی پرداختند و جامعه اسلامی نیز در حال عمل کردن به این آیات نورانی بود.

با وجود این، چرا قرآن می گوید که در قیامت، پیامبر (ص) از مهجوریت قرآن شکایت دارد؟ آیا حضرت از امت زمان خود گله می کند یا از مسلمانان بعد از آن دوران؟ به نظر می رسد با توجه به ارتباط و علاقه ای که بین اصحاب و پیامبر (ص) در آن زمان بوده است، این شکایت، متوجه دوران بعد از پیامبر (ص) باشد. روایت معتبری ذیل

\* محقق حوزه علمیه قم.

۱. صحیح البخاری، ج ۴، ص ۱۵۴۷ (ح ۳۹۹۱)؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۹۲۴ (ح ۲۴۹۹).



آیه: «رب ان قومى اتخذوا هذا القرآن مهجورا»<sup>۲</sup> پیدا نشده که منشأ قضاوت صحیح باشد؛ ولی با توجه به آنچه گذشت، احتمال اینکه امت بعد از پیامبر (ص) مشمول این شکایت باشند، بیشتر است.

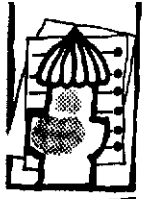
برای خارج شدن قرآن از مهجوریت، این نوشتار در پی آن است که روایات وارد شده در مورد قرآن را به صورتی نظام مند در آورد. البته این نظام در تمام سخنان گهربار پیامبر (ص) و معصومان (ع) وجود دارد (که در نوشته ای مستقل، خواهد آمد). کاری که ما کرده ایم، این است که چنین نظامی را آشکار نموده ایم. حاصل این سیر طولی که در روایات مربوط به قرآن انجام شده، این می شود که هر کس به فراخور ظرفیت و توان خویش از قرآن بهره گیرد و عدم توانایی در یک مرحله، او را از مراحل قبل محروم نکند؛ مانند روایات مربوط به نماز خواندن که فقها از مجموع روایات، قاعده ای ساخته اند که با توجه به آن قاعده، هیچ کس عذری در ترك نماز ندارد و گفته اند: «الصلاة لا یُترك بحال؛ نماز در هیچ حالی نباید ترك شود».

در مورد قرآن نیز اگر بخواهیم آن را از مهجوریت خارج کنیم، هیچ کس نباید تحت هیچ شرایطی ارتباط خود را با آن قطع نماید. البته نماز، حکمی الزامی دارد؛ اما در مورد قرآن، الزام و تکلیفی در کار نیست.

اگر روایات مربوط به قرآن را تحت این نظم در نیاوریم، تعارض شدیدی بین آنها وجود خواهد داشت. برای مثال در تعدادی از روایات به قرائت قرآن سفارش شده است و بر این کار تاکید شده، تا جایی که پیامبر (ص) فرموده است: «اگر کسی قرآن را اشتباه هم بخواند و نتواند آن را تصحیح کند، فرشته ای مأمور می شود تا به صورت صحیح آن را بالا ببرد»<sup>۳</sup> و یا در دسته ای از روایات، برای شنیدن قرآن ثواب قائل شده اند و حتی شنیدن غیر ارادی آن را هم مستحق پاداش دانسته اند.

۲. سوره فرقان، آیه ۳۰.

۳. ان الرجل الاعجمی من امتی ليقرا القرآن بعجميته فترفعه الملائكة على عربيته. (الكافی، ج ۲،



در مقابل، روایات فراوانی وجود دارد که پیامبر(ص) یا ائمه(ع) فرموده‌اند در قرائت بدون تدبّر و اندیشه، خیری نیست و یا روایاتی هست که در آنها فقط برای عمل به قرآن، ارزش قائل شده‌اند.

این تعارضها باید رفع شوند و رفع تعارض به آن است که گفته شود هر دسته از روایات، شامل گروهی از مخاطبان است. عده‌ای فقط می‌توانند قرآن را نگهداری کنند و حتی از قرائت آن هم معذورند. گروهی فقط می‌توانند آیات آن را به تماشا نشینند. گروهی در آن تدبّر می‌کنند. گروهی نیز بدان عمل می‌نمایند؛ و آنکه بتواند همه مراتب را داشته باشد، «طوبی له و حُسنُ مأب».

این تقسیم‌بندی، مؤید هم دارد. در روایتی از امام صادق(ع) نقل شده است:

كتاب الله على أربعة: العبارة للعوام، الإشارة للخواص، اللطائف للاولياء، والحقائق للانبياء.<sup>۴</sup>

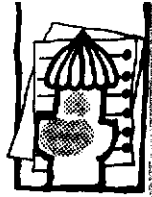
نصیب عده‌ای از قرآن، عبارات و ظاهرات آن است و عده‌ای، ظاهر را اشاره به معنای خاصی می‌دانند. اولیای الهی به لطائفی از آیات الهی پی می‌برند و انبیا با توجه به بطون آیات الهی<sup>۵</sup> و مراتب درک به حقایقی می‌رسند که دیگران از رسیدن به آن عاجز هستند.

البته ذکر این نکته ضروری است که امامان شیعه نیز به حقیقت قرآن پی برده‌اند و به آنچه از فهم مردمان عادی دور بوده است، آگاه بوده‌اند. در این جا به روایات مربوط به بطون قرآن اشاره‌ای می‌کنیم؛ چون اثبات بطن برای قرآن، در واقع تأکیدی است بر اینکه اولاً فهم همه انسانها از قرآن برابر نیست. ثانیاً ظاهر و باطن هم امری نسبی است و آنچه برای شخصی باطن آیه‌ای محسوب می‌شود، برای دیگری ظاهر است و بالعکس؛<sup>۶</sup> و این بحث مهمی است.

۴. بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۲۷۸ (ح ۱۱۳) و ج ۹۲، ص ۲۰ (ح ۱۸).

۵. انّ للقرآن ظاهراً و باطناً. (الکافی، ج ۴، ص ۵۴۹؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۴۸۶)

۶. المیزان، محمد حسین الطباطبائی، ج ۳، ص ۷۲.



در مورد بطون قرآن، دو سؤال مطرح است: یکی اینکه آیا قرآن بطن دارد؟ دوم اینکه تعداد این بطون، چند تا است؟

در پاسخ به سؤال اوّل باید گفت: قرآن علاوه بر ظاهر، باطنی دارد و روایات، این نکته را ثابت می‌کند. امام صادق(ع) فرمود:

انّ للقرآن ظهراً و بطناً.<sup>۷</sup>

این روایت، علاوه بر «اصول کافی» در «من لایحضره الفقیه»، «محاسن» برقی و «تفسیر عیاشی» با سندهای متفاوت، نقل شده است.

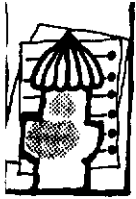
در حدیث دیگری، جابر نقل می‌کند که از امام باقر(ع) از تفسیر آیه ای پرسیدم. حضرت پاسخ داد. دوباره پرسیدم. جواب دیگری داد. دربارهٔ اختلاف دو جواب سؤال کردم. حضرت فرمود:

یا جابر! انّ للقرآن بطناً و للبطن ظهراً.<sup>۸</sup>

البته در کتاب «محاسن»، این روایت به گونهٔ دیگری هم آمده و به جای «اللبطن ظهراً»، «اللبطن بطناً» آمده؛ ولی این اختلاف، مانعی برای وجود بطن برای قرآن نیست.

اما دربارهٔ سؤال دوم که قرآن چند بطن دارد، مشهور است که تا هفتاد بطن برای قرآن ذکر نموده‌اند؛ اما نه عدد هفت و نه هفتاد، روایت معتبری ندارند. اگر هم این اعداد درست باشد، فقط کثرت را اثبات می‌کند؛ چون در عرف - و بخصوص در فرهنگ آن زمان - از این اعداد برای همین مقصود استفاده می‌شده است. نگارنده هنوز هیچ حدیث معتبری مبنی بر وجود داشتن هفتاد بطن برای قرآن نیافته است و ظاهراً این اعداد، تنها شهرت دارند. البته در مورد هفت بطن هم فقط یک روایت در «عوالی اللثالی» وجود دارد که در آن آمده:

۷. الکافی، ج ۴، ص ۵۴۹ و ج ۱، ص ۳۷۴؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۴۸۶ (ح ۳۰۳۶)؛  
 المحاسن، ج ۱، ص ۴۲۱ (ح ۹۶۴)؛ تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۱۶ (ح ۳۶).  
 ۸. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۲ (ح ۸)؛ المحاسن، ج ۲، ص ۷ و ۳۰۰.



انّ للقرآن ظهراً وبطناً ولبطنه بطن الى سبعة ابطن.<sup>۹</sup>

مولانا در «مثنوی» درباره بطون قرآن، تعبیر به جان قرآن کرده است:

تو ز قرآن ای پسر ظاهر مبین      دیو آدم را نبیند جز که طین  
 ظاهر قرآن چو شخص آدمی است      که نفوسش ظاهر و جانش خفی است<sup>۱۰</sup>  
 و در جای دیگر، هدایت انسان را در گرو ورود به لایه های معانی قرآن می داند:  
 که ز قرآن گر نبیند غیر «قال»      این عجب نبود ز اصحاب ضلال  
 کز شعاع آفتاب پر ز نور      غیر گرمی می نیابد چشم کور<sup>۱۱</sup>

به عقیده مولوی باید علاوه بر گرمی خورشید به فوائد دیگر آن نیز پی برد و از آن بهره جست؛ چرا که در غیر این صورت، انسان به گوهر هدایت دست نخواهد یافت.

بعد از این مقدمه به جستجوی دو مطلب در روایات می پردازیم:

### ۱) تعریف انس با قرآن؛

۲) شناخت نظامی که در روایات مربوط به انس با قرآن وجود دارد، به طوری که هر کس به فراخور حال خویش می تواند از این منبع فیض الهی بهره گیرد. این نظام طولی از نگهداری قرآن در منزل شروع می شود و تا بالاترین مرتبه آن، یعنی عمل به قرآن، ادامه می یابد. البته در پایان این نوشتار، از یک مرتبه بالاتر - که در این تقسیم بندی نمی گنجد - سخن خواهیم گفت.

اگر این نظام مورد پذیرش قرار گیرد، ثمره مهمی خواهد داشت و آن، حصول «اخلاق تبلیغ» است. سیره پیامبر (ص) در جذب افراد به اسلام، این گونه بوده که همه را به

۹. عوالی اللثالی، ابن ابی جمهور، ج ۴، ص ۱۰۷ (ح ۱۵۹). علاوه بر اینکه در کتب علوم قرآنی مشهور است که «قرآن، هفتاد بطن دارد» در بعضی کتابهای فقهی و اصولی نیز با تکیه بر همین شهرت، اصل آن را مفروع عنه دانسته و درباره آن بحثها کرده اند. برای نمونه ر. ک: جواهر الکلام، محمد حسن النجفی الاصفهانی، ج ۹، ص ۲۹۵؛ کفایة الاصول، محمد کاظم الخراسانی، ج ۱، ص ۳۸؛ نهایة الافکار، آقا ضیاء الدین العراقي، ج ۱، ص ۵۶.

۱۰. مثنوی، دفتر ششم، بیت ۴۲۴۷-۴۲۴۸.

۱۱. همان، بیت ۴۲۳۰-۴۲۳۱.

یک دید، نگاه نمی کرده است و حتی در صورتی که افراد از نظر پذیرش احکام اسلام، با هم برابر بوده اند، به یکباره آنها را به بالاترین مراتب یک حکم دعوت نمی کرده است و این، رمز موفقیت ایشان بوده و می تواند درس بزرگی برای مریبان جامعه باشد.

ثمره دیگر آن، این است که قرآن از مهجوریت خارج می شود و هرکس براساس توان خویش از آن، بهره می گیرد. یکی ممکن است قرآن را فقط قرائت کند و دیگری در آن بیندیشد و افرادی هم آن را راهنمای خویش قرار دهند و بدان عمل کنند.

### (۱) انس با قرآن

«انس» در لغت، معنایی مقابل «وحشت» دارد<sup>۱۲</sup> و انس انسان به چیزی، بدین معناست که از آن، هیچ وحشت و اضطرابی ندارد و همراه با آن به آرامش می رسد. انسان کمال طلب، فقط به امور مادی بسنده نمی کند و به سوی هدفهای والاتری گام بر می دارد. لذا وحشت و تنهایی خود را در پناه امور معنوی زائل می کند. در روایات، به انس با علم و معرفت به قرآن و ذکر خدا سفارش شده است.

امام علی (ع) فرمود: «هر کس با قرآن انس گیرد، از جدایی دوستان، وحشتی نخواهد داشت».<sup>۱۳</sup> ایشان همچنین در جواب گروهی که هنگام سفر از ایشان توصیه ای خواسته بودند، فرمود: اگر به دنبال مونس می گردید، قرآن برایتان کافی است.<sup>۱۴</sup>

آن حضرت در مناجات خویش با خدا چنین زمزمه می کند:

اللَّهُمَّ أَنْتَ أُنْسُ الْأَنْسِينَ لِأَوْلِيائِكَ ... إِنْ أَوْحَشْتَهُمُ الْغُرْبَةَ أَنْسَهُمْ ذِكْرُكَ.<sup>۱۵</sup>

پروردگارا! تو برای دوستانت مانوس ترین مونسهایی و اگر غربت آنان را به

۱۲. معجم مقاییس اللغة، ابن فارس، ج ۱، ص ۱۴۵؛ تاج العروس، جلال الدین السیوطی، ج ۸، ص ۱۸۸.

۱۳. غررالحکم و دررالکلم، عبدالواحد الأمیدی، ح ۸۷۹۰.

۱۴. جامع الاخبار، محمد بن محمد الشعیری، ص ۵۱۱ (ح ۱۴۳۱).

۱۵. نهج البلاغه، خطبه ۲۲۷.



وحشت اندازد، یاد تو مونس تنهایی آنهاست.

امام سجاد(ع) فرمود:

اگر هم هیچ موجودی بر روی زمین زنده نماند و من تنها باشم، مادام که قرآن با

من است، وحشتی نخواهم داشت.<sup>۱۶</sup>

تعبیرات این چنین در سخنان ائمه(ع) فراوان وجود دارد و معمولاً برای تأکید بر موضوعات مهم، این گونه سخن گفته اند؛ خصوصاً در مورد قرآن که «تبیاناً لكل شیء»<sup>۱۷</sup> است. آنچه انسان در مسیر هدایت به آن نیاز داشته باشد، در قرآن پیدا می‌کند. حتی اگر انسان در معرض ترنم آیات الهی قرار گیرد و به آیات آن گوش بسپارد و قصد التذاد معنوی از آن را نداشته باشد، به ایمانش افزوده می‌شود و احساس آرامش می‌کند:

أما المؤمنون إذا ذكر الله وجلت قلوبهم وإذا تليت عليهم آياته زادتهم إيماناً.<sup>۱۸</sup>

آنهايي که در محافل قرآنی حضور داشته‌اند و تا اندازه‌ای با معانی آن نیز آشنا بوده‌اند، با شنیدن آیات رحمت به شوق آمده و مسرور گشته‌اند و از شنیدن آیات عذاب، حالت حزن به خود گرفته‌اند و در مجموع، ایمانشان استوارتر گشته است؛ چرا که قرآن، هم می‌تواند موجبات لذت معنوی را فراهم کند و هم کتاب عمل باشد. امام صادق(ع) فرمود:

به دنبال مونس بودن که در پناه آن، آرامش پیدا کنم، آن را در قرائت قرآن یافتم.<sup>۱۹</sup>

## ۲) مراتب انس با قرآن

نظام پیشنهادی‌یی که از مجموع روایات مربوط به قرآن به دست می‌آید - چنانکه گفتیم - از نگهداری قرآن در خانه آغاز می‌شود و با بالاترین درجه، یعنی عمل به قرآن، پایان

۱۶. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۲۳ (ح ۲۳).

۱۷. سوره نحل، آیه ۸۹.

۱۸. سوره انفال، آیه ۲.

۱۹. مستدرک الوسائل، میرزا حسین النوری، ج ۱۲، ص ۱۷۴.



می یابد. مراتب علم به قرآن و بطون آن (که به طور تفصیلی هم به آنها اشاره خواهد شد) عبارت اند از:

الف) نگهداری قرآن در خانه؛

ب) نگاه کردن به آیات قرآن؛

ج) گوش فرادادن به تلاوت قرآن؛

د) تلاوت قرآن؛

هـ) تدبیر و تفکر در قرآن؛

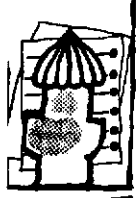
و) عمل به قرآن.

در مورد مراحل فوق، روایات زیادی وجود دارد که برای هر مرتبه، نمونه ای آورده می شود و سعی خواهد شد تا روایاتی که از سند معتبرتری برخوردار باشند، انتخاب شود. البته معمولاً در هر مرتبه، تعداد روایات به حدی است که احتمال صدور آن را تقویت می کند. متأسفانه در زمینه سند و راویان روایاتی که منشا حکم و فتوا نیستند، کار زیادی صورت نگرفته است و چون این روایات در محافل علمی مورد نقد و بررسی واقع نمی شده اند، بسیاری از راویان آنها نیز مورد تحقیق رجالی قرار نگرفته اند و لذا در بعضی کتب رجالی، حکم به مجهول یا مهممل بودن آنها می شود. به نظر می رسد اگر روش خاصی در مورد این گونه روایات به کار گرفته شود، بسیاری در این روایات و راویان آنها از مهجور بودن خارج خواهند شد. فعلاً پیشنهاد ما همان استفاضه است (یعنی در هر موضوع، روایات را باید کنار یکدیگر قرار داده، در مورد صدور آنها قضاوت نماییم).

#### الف) نگهداری قرآن در خانه

از زمانهای قدیم، تبرک جستن به اشیای خاص و نگهداری آنها در خانه، میان مردم مرسوم بوده است. توصیه به نگهداری قرآن در منازل که در روایات ما وجود دارد، شاید یک علتش این باشد که مردم از آن خرافات دست بردارند و به جای آنها به کلام الهی تبرک جویند. لذا امام صادق(ع) فرمود:





انه ليعجبني ان يكون في البيت مصحف يطرد الله عزوجل به الشياطين .<sup>۲۰</sup>  
 در شگفتی از اینکه قرآنی در خانه است و شیاطین به واسطه آن از خانه دفع می شوند.

پایین ترین مرتبه انس با قرآن نیز - چنانکه گفته شد - نگهداری آن در منزل است که اگر کسی قادر نیست که هیچ گونه ارتباطی با قرآن داشته باشد، لااقل آن را در منزل نگهداری کند. حتی اگر این معنا هم در نظر مبارك امام نباشد، نگهداری قرآن در منزل، به مصلحت انسان است که در روایت به آن اشاره شده است.

روایاتی هم داریم که در تعارض با این روایت است و نگهداری قرآن را بدون نگاه کردن به آن و یا بدون تلاوت آیات آن، مذموم شمرده است؛ ولی همان طور که گفته شد، حل تعارض به سبب اختلاف رتبه افراد است. معلوم است شخصی که توان نگاه کردن به قرآن و قرائت آن را ندارد، حداقل کاری که می تواند انجام دهد، این است که قرآن را در منزل نگهداری نماید و این امر، مصادیقی در جامعه دارد؛ درست مثل نماز خواندن که اگر کسی قادر به خواندن آن نیست، حداقل باید با ایما و اشاره، آن را به جای آورد.

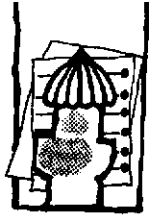
علاوه بر دو احتمالی که گفته شد، احتمال سومی نیز وجود دارد که توصیه به نگهداری قرآن در آن زمان، برای حفظ قرآن بوده است تا نسخه های قرآن، متعدد باشد و از بین نرود. لذا امام صادق (ع) برای جلب توجه، این گونه تعبیر آورده تا مردم تشویق به نگهداری قرآن شوند؛ ولی این احتمال، مؤیدی ندارد. اگر روایت نبوی بود، شاید این احتمال تقویت می شد.

### ب) نگاه کردن به قرآن

در مورد نگاه کردن به قرآن، روایاتی وجود دارد که آن را نوعی عبادت شمرده است. ابوذر از رسول خدا نقل می کند که فرمود: «نگاه کردن به قرآن، عبادت است».<sup>۲۱</sup> در

۲۰. الکافی، ج ۴، ص ۱۶۱۳؛ ثواب الاعمال، الصدوق، ص ۱۲۹.

۲۱. الامالی، الطوسی، ص ۲۵۰ (ح ۱۰۱۶)؛ بحار الانوار، ج ۳۸، ص ۱۹۶.



روایت دیگری از پیامبر (ص) آمده است :

«أعطوا أعينكم حظها من العبادة»، قالوا: «وما حظها من العبادة؟»، قال: النظر

فی المصحف والتفكر فيه والاعتبار عند عجايبه. ۲۲

«چشمانتان، بهره ای از عبادت دارند که باید به آنها ببخشید». سؤال کردند:

«نصیب آنها از عبادت چیست؟». فرمود: نگاه کردن به قرآن و فکر کردن در آن و

پند گرفتن از شگفتی های آن.

البته روایت دوم، دلالت بر تدبّر در قرآن نیز دارد که در مراحل بالاتر است؛ اما با

توجه به روایت ابوذر، اگر کسی فقط نگاه هم به قرآن بکند، نوعی عبادت است و روایت

دوم، در مقام قیدِ اطلاق روایت اوّل نیست؛ چون قرینه خارجی داریم. وقتی نگهداری

قرآن در منزل سفارش شده است، قطعاً نگرستن به آیات آن، ارزش بیشتری دارد.

### ج) گوش فرادادن به قرآن

قبل از مرتبه قرائت، گوش دادن به قرآن است. اگر کسی به هر دلیل از قرائت قرآن

ناتوان است، می تواند به آن گوش فرا دهد. پیامبر (ص) این تقدّم و تاخّر رتبه استماع و

قرائت را در روایتی چنین بیان فرموده است:

من استمع الى آية من كتاب الله تعالى كتب له حسنة مضاعفة، و من تلاها كانت

له نوراً يوم القيامة. ۲۳

هر کس به آیه ای از کتاب خدا گوش فرا دهد، خداوند برای او حسنه مضاعف

می نویسد و هر کس آن را تلاوت کند، [آیات آن] همچون نوری در قیامت برایش

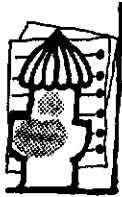
جلوه خواهد کرد.

کلینی در «اصول کافی» از امام سجّاد و امام صادق (ع) نقل می کند:

من استمع حرفاً من كتاب الله عزوجل من غير قرائة كتب الله له حسنة ومحا عنه

۲۲. کنز العمال، علی المتقی الهندی، ج ۵۶۶۲.

۲۳. مسند احمد بن حنبل، ج ۲، ح ۸۵۰۲.



## سینه و رفع له درجه. ۲۴

اگر کسی حرفی از کتاب خدا را فقط گوش کند و تلاوت هم نکند، خداوند  
برایش حسنه می نویسد و گناهی از او محو نموده، درجه اش را بالا می برد.

مضمون این روایت به گونه ای نیست که قبول آن مشکل باشد. در بعضی روایات،  
برای کارهای کوچک، ثواب زیادی وعده داده شده است که معمولاً قبول کردن آن مشکل  
است. بسیاری از این گونه روایات، جعلی هستند؛ خصوصاً در باب قرآن که برای ترتیب  
و تشویق مردم به قرائت آن، برخی از افراد نادان، روایات فراوانی جعل می کردند و حتی  
زمانی که آن جا علاناً مورد اعتراض پیامبر (ص) واقع می شدند، پاسخ می دادند که این  
روایات به نفع شماست و مردم، بیشتر به قرآن روی می آورند!

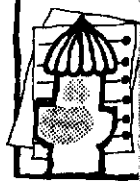
نقل شده که به ابو عصمه گفتند: «تو از کجا و به چه طریق، احادیثی در فضیلت قرآن  
و سوره های آن از عکرمه و ابن عباس نقل نمودی؟». گفت: چون من مردم را از قرآن  
روگردان و به «فقه» ابی حنیفه و «مغازی» محمد بن اسحاق مشغول دیدم، این احادیث را  
وضع کردم.

حاکم نیشابوری از یکی از زهاد نقل نموده که به وی گفتند: «چرا احادیثی در فضیلت  
قرآن و سوره های آن ساختی؟». وی همین جواب ابو عصمه را داد. آن گاه به وی گفتند:  
«مگر نشنیده ای که پیامبر (ص) فرمود هر کس بر من دروغ ببندد، جایگاهش پر از آتش  
گردد؟». گفت: من بر وی دروغ نبستم؛ بلکه به نفع وی حدیث ساختم! ۲۵

خوشبختانه، روایتی که در مورد گوش فرا دادن به قرآن نقل کردیم، به گونه ای نیست  
که احتیاج به توجیهی داشته باشد؛ گرچه امام (ع) از مقام تأکید هم دور نبوده است.  
صحبت از نوشتن ثواب و پاک کردن گناه در ازای قرائت حرفی از قرآن است و امری طبیعی  
به نظر می رسد.

۲۴. الکافی، ج ۲، ص ۶۱۲؛ کنز العمال، ج ۱، ص ۵۳۵ (ح ۲۳۹۶).

۲۵. علم الحدیث، کاظم مدیر شانه چی، ص ۱۱۶.



## د) تلاوت قرآن

در قرآن کریم آمده است کسانی که کتاب خدا را تلاوت کنند، مشمول اجر و فضل خداوند می گردند:

ان الذين يتلون كتاب الله و اقاموا الصلاة و انفقوا مما رزقناهم سراً و علانية يرجون

مجارة لن تبور ليوفيهم اجرهم و يزيدهم من فضله انه غفور شكور. ۲۶

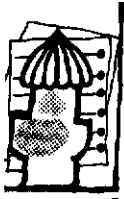
آیات دیگری نیز در مورد سفارش به قرائت قرآن و بیان ثمرات آن، در کتاب الهی آمده است؛ ولی چون هدف این نوشتار، بیان نظام موجود در روایات است، از آوردن آنها صرف نظر می کنیم.

شایان ذکر است امور اخلاقی بی که در قرآن به آنها تصریح شده، اهمیت بیشتری دارند و بحث اثبات صدور و امثال آن که درباره روایات وجود دارد، در این دستورات اخلاقی مطرح نیست. یکی از این امور، همین تلاوت قرآن است که در آیات متعددی به آن تصریح شده است.

بعد از نگهداری، نگاه کردن و گوش فرا دادن به قرآن، مرتبه تلاوت آن است. کسانی که توانایی قرائت قرآن را دارند، نباید آن را در خانه معطل بگذارند. قبلاً در روایتی گفته شد که وجود قرآن در خانه، باعث دور شدن شیاطین است و ظلمت را از خانه بیرون می افکند. در این روایت اشاره شد که اگر در خانه، قرآن تلاوت بشود، نور به جای ظلمت می نشیند؛ خیر زیاد می شود و توسعه برای اهل آن خانه حاصل می شود و همان گونه که ستاره های آسمان زمین را روشن می کنند، خانه ای که در آن قرآن تلاوت می شود، برای اهل آسمان نیز نورانی جلوه می کند. گرچه در مساجد و مکانهای دیگر هم می توان قرآن را تلاوت کرد، اما چرا خانه ها را در معرض این نور و رحمت الهی قرار ندهیم؟

پیامبر اکرم (ص) فرمود:

ان البيت اذا كثرت فيه تلاوة القرآن كثر خيره و اتسع اهله و اضاء لاهل السماء كما



تضیء نجوم السماء لاهل الدنيا . ۲۷

در روایتی دیگر، امام صادق (ع) فرمود:

القرآن عهد الله الى خلقه ينبئ للمرء المسلم ان ينظر في عهده وان يقرأ منه في كل يوم خمسين آية . ۲۸

قرآن، میثاقی است بین خالق و مخلوق و شایسته است یک مسلمان، هر روز به این عهدنامه نظر کند و [حداقل] پنجاه آیه از آن را بخواند .

### هـ) تدبیر در قرآن

یکی از عالی ترین مراحل ارتباط با قرآن، اندیشیدن در آیات الهی است:

افلا يتدبرون القرآن ولو كان من عند غير الله لوجدوا فيه اختلافاً كثيراً . ۲۹

با تدبیر در قرآن، می توان به این نتیجه رسید که قانون کلی در مورد انسان و بقیه کائنات، تحوّل و دگرگونی است، هم در قول و هم در عمل؛ اما قرآن این گونه نیست . به قول علامه طباطبایی، قرآن کتابی است در برگیرنده قوانین فردی و اجتماعی، مسائل مربوط به مبدا و معاد، قصص، عبرتها و پندها و ... که به تدریج نازل گردیده و با گذشت آیام، دستخوش تغییر و تحوّل نمی گردد . ۳۰

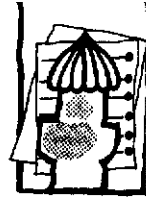
تدبیر در قرآن، علاوه بر فوائد علمی، نتایج شخصی هم دارد . طبق آیه ای که گذشت، با تفکر و تدبیر در آیات قرآن، مشخص می شود که آیات آن، هیچ گونه اختلافی با یکدیگر ندارند . لذا آیات می توانند یکدیگر را تفسیر کنند و این فایده بسیار مهمی بود که علامه طباطبایی در پرتو آن به تفسیر قرآن با قرآن رسید . ایشان ذیل همین آیه، امکان تفسیر قرآن با خود قرآن را نتیجه گرفته است . صاحب «مجمع البیان» نیز از آیه «افلا يتدبرون

۲۷ . الکافی، ج ۲، ص ۶۱۰ .

۲۸ . همان جا؛ همچنین ر.ک: من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۲۸ (ح ۳۲۱۵) .

۲۹ . سوره نساء، آیه ۲ .

۳۰ . المیزان، ج ۵، ص ۲۰ .



القرآن ...» به همین نتیجه رسیده است. ۳۱

نتیجه مهم دیگر، این است که چون احکام قرآنی در معرض تغییر و تحول قرار نمی‌گیرند، لذا این شریعت تا قیامت استمرار دارد. ۳۲

از لحاظ شخصی نیز انسان با تدبیر در آیات قرآن و مجسم کردن مبدا و معاد، هم داستان خلقت انسان برایش یاد آوری می‌شود و هم آینده را پیش روی خود می‌بیند. روایاتی وجود دارند که در آنها توصیه شده از قرائت آیات رحمت، مسرور و از قرائت آیات مشتمل بر وعده عذاب، محزون شوید. غزالی در کتاب «کیمیای سعادت» از ابوذری نقل می‌کند که پیامبر (ص) یک ثلث شب، این آیه را تکرار می‌کرد که: ان تعذبهم فانهم عبادك وان تغفر لهم فانت العزيز الحكيم. ۳۳

از امام علی (ع) نقل شده است که قرآن را به سرعت قرائت نکنید و در پی آن نباشید که سوره را به آخر برسانید؛ قلبتان باید به خشوع درآید. ۳۴ آن حضرت در بیان دیگری فرمود: قرآن را یاد بگیرید که بهترین سخن است و در آن اندیشه کنید که چون بهار است. ۳۵

نکته مهم این فرمایش حضرت، آن است که در مرحله یادگیری فرموده «بهترین سخن» است؛ ولی در مرحله تفکر و اندیشه، آن را به «بهار» تشبیه کرده است؛ بهاری که فصل رویش و زندگی است.

و) عمل به قرآن و تمسک به آن

آنچه ادیان الهی را از یکدیگر جدا کرده، احکام و دستوراتی است که هر دین برای

۳۱. ر.ك. همان، ج ۱۸، ص ۲۴۱.

۳۲. به نقل از: اسرار قرآن، حسین خدیو جم، ص ۲۶.

۳۳. الکافی، ج ۲، ص ۶۱۴.

۳۴. نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰.

۳۵. تحف العقول، ص ۵۰.



خود داشته است؛ وگرنه از نظر اعتقادی و نظری، تمام ادیان، دعوت به توحید کرده اند و در این مسئله، همه با هم مشترك بوده اند. قبل از ظهور اسلام نیز در دوران جاهلیت، فرهنگ و عادات خاصی در مورد ازدواج، اقتصاد و روابط اجتماعی وجود داشته است. با نزول قرآن، دوران تبیین فرهنگ اسلامی به آرامی شروع شد و بسیاری از احکام، خصوصاً احکام معاملات، به شیوه سابق ادامه یافت و تعداد زیادی احکام جدید هم از طرف خداوند و به واسطه پیامبر (ص) به مردم ابلاغ شد.

محور همه این دستورات، قرآن بود. به شهادت روایات، هر آنچه مردم برای زندگی دینی به آن نیاز داشتند، در قرآن آمده بود. اصول سنت پیامبر (ص) نیز در قرآن وجود داشت و حداقل، مخالفتی با اصول موجود در قرآن نداشت و پیامبر (ص)، تبیین و تفسیر همان اصول را در قالب سنت به مردم عرضه می کرد: *و انزلنا اليك الذکر لتبين للناس ما نزلك اليهم*.<sup>۳۶</sup>

اجرای قوانین موجود در قرآن در زمینه های مختلف و خصوصاً اقتصاد، جامعه آن روز را به گونه ای در آورده بود که حتی با شاخصهای تعریف شده امروزی، جامعه ای مسوق بود.<sup>۳۷</sup> آسیبهای فرهنگی یی که امروزه از ناحیه مسائل اقتصادی متوجه جوامع است، در آن ایام مشاهده نشده است. مفاهیم زیبایی چون انفاق، صدقات، مواسات و... به بهترین نحو در آن زمان تحقق پیدا کرده بود. حتی جلوه های معنوی آن زمان که در تاریخ ضبط شده است، انسان را به شگفتی و امید دارد که با وجود مشکلات و درگیری ها و غزوات پیامبر (ص)، باز هم مجالس و محافل قرآنی برپا بوده است و همان طور که گفته شد، حضرت، خانه افراد را از صوت قرآن صاحبان آنها می شناخته است. در یک کلام: قرآن در متن زندگی مردم، حضور داشته است.

تعبیرات مختلفی از پیامبر (ص) و ائمه (ع) در مورد عمل به قرآن رسیده است و تعبیراتی دیگر، مثل «اتباع»، «تمسک» و «حق التلاوة» نیز بیان شده که ناظر بر عمل به قرآن

۳۶. سوره نحل، آیه ۴۴.

۳۷. ر. ک: جزوه «نظام اقتصادی صدر اسلام»، کاظم صدر، دانشگاه شهید بهشتی.

است. به تعدادی از این روایات، اشاره می‌کنیم.

پیامبر اسلام فرمود:

اعملوا بالقرآن احلوا حلاله وحرّموا حرامه واقتدوا به ولا تکفروا بشیء منه.<sup>۳۸</sup>  
 به قرآن عمل کنید و حلالش را حلال شمارید و از حرامش اجتناب کنید و به آن  
 اقتدا نموده، به هیچ چیز آن کفر نوزید.

در روایت دیگری امام علی(ع) فرمود:

یا حمله القرآن! اعملوا فان العالم من عمل بما علم و وافق عمله علمه و سیکون  
 اقوام یحملون العلم لایجاوزواقیهیم، یخالف سریرتهم علانیتهم.<sup>۳۹</sup>  
 ای کسانی که عالم به قرآن هستید، به آن عمل کنید؛ چون عالم کسی است که به  
 آنچه می‌داند، عمل می‌کند و عمل او مطابق علمش است. به زودی مردمی  
 خواهند آمد که علمشان از گلهای آنها تجاوز نمی‌کند و باطنشان با رفتار ظاهر  
 آنها مخالف است.

تا زمانی که پیامبر(ص) در میان امت بود، مردم مکلف بودند به آنچه که ایشان امر  
 می‌کند، عمل کنند و از آنچه نهی می‌کند، دوری گزینند؛ چون او همان احکام الهی را  
 می‌گفت و کلامش، کلام وحی بود و بعد از خود نیز امت را به قرآن و عترت ارجاع  
 داد.<sup>۴۰</sup> علتش هم این بود که عترت او چیزی غیر از قرآن نمی‌گفتند و آنها هم در مقام تبیین  
 و تفسیر کلام خدا بودند.

امام علی(ع) در تعبیر زیبایی فرموده است که «قرآن باید چون لباس زیرین، همیشه با  
 انسان باشد»، که البته افرادی با این خصوصیات، تعدادشان کم است:

طوبی للزاهدین فی الدنیا الراغبین فی الآخرة، اولئک قوم اتخذوا القرآن شعاراً.<sup>۴۱</sup>

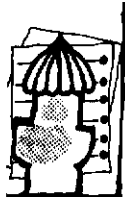
۳۸. المستدرک علی الصحیحین، الحاکم النیشابوری، ج ۱، ص ۷۵۷ (ح ۲۰۸۷)؛ السنن الکبری، احمد  
 بن حسین البیهقی، ج ۱۰، ص ۱۵ (ح ۱۹۷۰۶).

۳۹. کنز العمال، ج ۹، ص ۲۹۴.

۴۰. صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۸۷۴ (ح ۲۴۰۸).

۴۱. نهج البلاغه، حکمت ۱۰۲؛ امالی المفید، ج ۱، ص ۱۳۳.





خوشا به حال زاهدان در دنیا، کسانی که به آخرت میل دارند و قرآن را چون

لباس زیرین خویش قرار دادند!

یکی از واژه‌هایی که در قرآن برای عمل به آن آمده است، «حق تلاوت» است:

الذین آتیانهم الكتاب يتلونه حقّ تلاوته اولئك يؤمنون به ومن يكفر به فاولئك هم

الخاصرون. ۴۲

کسانی که کتاب آسمانی را به آنان داده‌ایم و آن را چنانکه باید می‌خوانند، ایشان‌اند

که بدان ایمان دارند؛ ولی کسانی که کفر ورزیدند، همانان‌اند که زیانکاران‌اند.

مراد از کتاب آسمانی، هم می‌تواند تورات و انجیل باشد و هم قرآن. در هر حال،

مراد از «حق التلاوة»، عمل به قرآن است. ۴۳ امام صادق (ع) درباره این آیه می‌فرماید:

یعنی آیات قرآن را با ترتیل بخوانند و در آن اندیشه کنند. به احکام آن عمل کنند. به

وعده‌های امیدوار باشند و از عذابهای وعده داده شده بترسند. از قصه‌های آن

عبرت گیرند. به آنچه در آن دستور داده شده، عمل کنند و از آنچه نهی شده، پرهیز

نمایند. به خدا قسم، «حق تلاوت» به معنای حفظ آیات و قرائت آنها نیست ...؛

بلکه باید در آیتش تدبیر نموده، به آنها عمل نمود. خداوند می‌فرماید: ای پیامبر!

قرآن، کتابی مبارک است که به سوی تو فرستادیم تا مردم در آیات آن تدبیر کنند. ۴۴

علاوه بر آنچه در مورد عمل به قرآن از جهت اثباتی بیان شد و روایات آن ملاحظه

گردید، روایاتی در مذمت عمل نکردن به قرآن وجود دارد که برای تأیید و تأکید مطلب به

آنها نیز اشاره‌ای داریم. رسول خدا فرمود:

یاتی علی الناس زمان القرآن فی وادٍ و هم فی وادٍ غیره. ۴۵

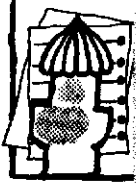
زمانی فرا می‌رسد که مردم و قرآن در دو وادی مختلف قرار می‌گیرند (به آنچه

۴۲. سوره بقره، آیه ۱۲۱.

۴۳. المیزان، ج ۱، ص ۲۶۶.

۴۴. همان جا (به نقل از: ارشاد القلوب دیلمی).

۴۵. نوادر الاصول، الترمذی، ج ۲، ص ۳۳۸؛ کنز العمال، ح ۲۹۱۱۸.



قرآن می گوید، عمل نمی کنند).

در روایت دیگری پیامبر (ص) فرمود:

هر کس قرآن را یاد بگیرد و به آن عمل نکند و دوستی دنیا و زینت آن بر او چیره شود، سزاوار عذاب الهی است و هم‌رجه با یهود و نصاریست که کتاب [خدا] را پشت سر انداختند.<sup>۴۶</sup>

علاوه بر روایات فوق، روایات دیگری نیز وجود دارد که از عمل نکردن به قرآن نهی کرده اند.<sup>۴۷</sup> این قسمت را با گزیده‌ای از دعای امام سجاده (ع) که در مورد ختم قرآن است، به پایان می‌بریم:

خداوند! بر محمد و آلش رحمت فرست و ما را از کسانی قرار ده که به ریسمان عهد و پیمان قرآن چنگ می‌زنند و از امور متشابه به پناهگاه محکمش پناه می‌برند، و در سایه پر و بالش می‌آسایند و به روشنی صبحش راه می‌یابند و به اشراق روشنگری‌اش راه می‌جویند و از چراغش می‌فروزند و از غیر آن، هدایت نمی‌طلبند.<sup>۴۸</sup>

در پایان، ذکر چند نکته لازم است:

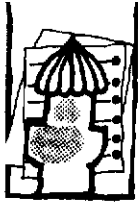
۱- تقسیم بندی و نظام ارائه شده درباره انس با قرآن، نظر به اکثریت جامعه دارد؛ اما در هر زمان و هر جامعه‌ای، کسانی هستند که با بقیه افراد، تفاوت دارند. افرادی که در حد پایین و حد بالای یک صفت کمی یا کیفی قرار می‌گیرند، این گونه هستند. برای مثال، اکثر افراد از لحاظ قد با هم تفاوت زیادی ندارند؛ اما تعداد معدودی قد بسیار کوتاهی دارند و یا بسیار قد بلند هستند. در مورد صفات کیفی، مثل هوش نیز همین قانون

۴۶. ثواب الاعمال، ص ۳۳۲؛ بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۳۶ (ح ۳۰).

۴۷. الکافی، ج ۸، ص ۵۲؛ صحیح البخاری، ج ۶ (ح ۵۸۳۶ و ۶۶۴۰)؛ مسند احمد بن حنبل، ج ۷، ص ۲۵۱ (ح ۲۰۱۱۵)؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۸۷۴ (ح ۲۴۰۸)؛ سنن الترمذی، ج ۵، ص ۶۶۳

(ح ۳۷۸۸)؛ سنن الدارمی، ج ۲، ص ۸۸۹ (ح ۳۱۹۸).

۴۸. الصحیفه السجادیة، الدعاء ۴۲.



وجود دارد. اکثر افراد، بهره‌ هوشی نزدیک به هم دارند و در یک رده قرار می‌گیرند؛ اما درصد اندکی کم هوش و درصد اندکی هم نابغه هستند. اگر جامعه‌ای این گونه نباشد، حالت طبیعی ندارد. در یک کلاس درس هم اگر همه تیز هوش باشند یا همه دیر فهم، آن کلاس طبیعی نیست و معمولاً این گونه اجتماعات با مشکلات خاصی مواجه هستند.<sup>۴۹</sup>

در مورد طرحی که ارائه شد، باید اشاره کنم که اکثر افراد جامعه می‌توانند در این طرح گنجانده شوند و تعداد بسیار معدودی اند که در هیچ مرتبه‌ای از این طرح واقع نمی‌شوند. در حد بالای طرح هم، بعد از مقام عمل و فراتر از آن، درصد اندکی وجود دارند که به نقطه‌ای رسیده‌اند که دیگران از رسیدن به آن عاجزند. آنها «راسخین فی العلم» هستند که تعدادشان بسیار کم است و عبارت‌اند از پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) و بعضی از علما اینان، عالم به بطون قرآن هستند. البته در رأس آنها پیامبر (ص) است؛ چون حقیقت قرآن بر قلب مبارک ایشان نازل گردیده است:

نزل به الروح الامین علی قلبك لتكون من المنذرین.<sup>۵۰</sup>

امام خمینی (ره) در مورد فهم پیامبر (ص) از قرآن می‌فرماید:

قرآن یک نعمتی است که همه ازش استفاده می‌کنند؛ اما استفاده‌ای که پیامبر (ص) از قرآن می‌کرده است، غیر استفاده‌ای است که دیگران می‌کردند: «انما يعرف القرآن من خوطب به». دیگران نمی‌دانند. ماها یک ذره‌ای، یک چیزی، یک خیالاتی پیش خودمان داریم. آنکه قرآن بر او نازل شده، می‌داند چیست، چه مقصد در این نزول است و محتوا چیست و غایت این کار چیست. او می‌داند. آنهایی هم که به تعلیم او تربیت شده‌اند، آنها هم برای خاطر تربیت او می‌دانند. هنر انبیا این بوده است که مسائل را، مسائل دقیق عرفانی را با یک لفظی می‌گفتند که هر کسی یک جوروی ازش، خودش می‌فهمیده؛ ولی واقعه‌ش مال آنهایی است که بالاتر از این، افقشان است و این هنر در قرآن از همه جا

۴۹. برای اطلاع بیشتر در مورد قانون فوق به کتابهای آموزشی آمار، بحث توزیع نرمال، مراجعه کنید.

۵۰. سوره شعراء، آیه ۱۹۳-۱۹۴.



بالاتر است و در ادعیه هم هست. ۵۱

در مورد علم اهل بیت (ع) به قرآن نیز علامه طباطبایی در تفسیر آیه ای می نویسد که ایشان می توانند به علوم دست پیدا کنند که دیگران از رسیدن به آنها عاجزند؛ مثلاً در مورد «مس قرآن» که در آیه آمده: «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ»، علامه طباطبایی با بیان چند مقدمه، از این آیه چنین نتیجه می گیرد که:

۱) مراد از «مس»، علم به قرآن است.

۲) مصداق «مطهرون»، مَقْرَبُونَ هستند (با توجه به روایت نبوی ذیل آیه که حضرت، همین گونه تفسیر فرمودند). ۵۲

۳) مَقْرَبُونَ، اعم از فرشتگان اند و شامل اهل بیت (ع) هم می شود.

۴) منظور از طهارت، تنها طهارت از نجاست ظاهری و باطنی نیست؛ بلکه مراد، پاک کردن قلوب آنها از تعلق به غیر خداست.

نتیجه: علم به قرآن، فقط شامل ملائک نیست و شامل اهل بیت (ع) هم می شود. ۵۳

امام باقر (ع) در ذیل آیه: «قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» فرمود: منظور از آیه، ما اهل بیت هستیم و او کین و برترین ما علی (ع) است. پس تا اینجا روشن شد که علم به قرآن، مخصوص «راسخین فی العلم» است که شامل پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) و تعدادی از علما می شود. البته در رأس همه اینها و کاملترین راسخان، شخص پیامبر (ص) است. امام صادق (ع) می فرماید:

فَرَسُولُ اللَّهِ (ص) أَفْضَلُ الرَّاسِخِينَ فِي الْعِلْمِ قَدْ عَلِمَهُ اللَّهُ جَمِيعًا مَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ مِنَ التَّنْزِيلِ

والتَّوْوِيلِ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَنْزِلَ عَلَيْهِ شَيْئًا لَمْ يَعْلَمْهُ تَأْوِيلَهُ وَأَوْصِيَاءُ مِنْ بَعْدِهِ يَعْلَمُونَهُ كُلَّهُ. ۵۴

رسول خدا برترین راسخان در علم است که خداوند، تمام قرآن و تفسیر و تاویل

۵۱. ر. ک: قرآن، کتاب هدایت در دیدگاه امام خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)،

ص ۱۴۷ (تاریخ سخنرانی: ۱۳۶۳/۶/۳).

۵۲. الدر المشور، جلال الدین السيوطی، ج ۸، ص ۲۷.

۵۳. الميزان، ج ۱۹، ص ۱۲۷.

۵۴. الکافی، ج ۱، ص ۲۱۳.



آن را به او آموخته است و آیه ای نازل نکرده است که حضرت، تفسیر و تاویل آن را نداند و جانشینان بعد از او نیز تمام آن را می دانند.

۲- در طرح ارائه شده، بالاترین رتبه انس با قرآن، عمل به قرآن بود؛ اما در روایات، رابطه عمل با علم، رابطه ای دو طرفه است و عمل، هم از آثار علم شمرده شده و هم از آن به عنوان مقدمه علم یاد شده است. پیامبر (ص) فرمود:

انّ العالم من يعمل بعلم وان كان قليل العمل . ۵۵

عالم، کسی است که براساس علم عمل کند؛ گرچه مقدار عمل او اندک باشد.

و در روایت دیگری فرمود:

لا تكون عالماً حتّى تكونُ بالعلم عاملاً . ۵۶

عالم نخواهی بود، مگر آنکه به علم خویش عمل کنی.

در مورد مقدمه بودن عمل برای علم نیز پیامبر (ص) فرمود:

من عمل بما يعلم ، ورثه الله علم ما لم يعلم . ۵۷

هر کس به آنچه می داند عمل کند. خداوند آنچه را نمی داند به او یاد می دهد.

اطلاق روایاتی که رابطه دو طرفه علم و عمل را بیان می کنند، شامل علم و عمل به قرآن هم می شود. هم علم به قرآن، مقدمه عمل به آن و هم عمل به قرآن، مقدمه علم به آن است. پس دسته ای از معارف قرآن، اختصاص به «راسخین فی العلم» دارد و از دایره فهم عادی خارج است و همه کس را یارای دستیابی به آن نیست؛ اما غیر از آن را دیگران هم درک می کنند؛ علمشان مقدمه عمل می شود و عملشان، موجب زیادی علم آنها می گردد.

خداوند بر علم و عمل قرآنی ما بیفزاید!

۵۵. ثواب الاعمال، ص ۴۳۶.

۵۶. تنبیه الخواطر، ابوالحسین ورام، ج ۲، ص ۲۱۴؛ مجمع البیان، الطبرسی، ج ۸، ص ۴۴۶.

۵۷. حلیة الاولیاء، ابونعمان الاصفهانی، ج ۱۰، ص ۱۵؛ الجامع الصغیر، جلال الدین السيوطی، ج ۲، ص ۱۹۲ (ح ۵۷۱۱)؛ غررالحکم، ح ۹۵۶۹؛ مشکوة الانوار، ابوالفضل علی الطبرسی، ص ۱۳۹؛

التوحید، الصدوق، ص ۴۱۶؛ ثواب الاعمال، ص ۱۶۱؛ اعلام الدین، الدیلمی، ص ۹۶.